

رویکرد اجتماعی برای تحقیقات رفتار اطلاعات بین فردی در فضای دانشگاهی

1- مقدمه

رویکرد های شناختی و اجتماعی اغلب برای مطالعه رفتار اطلاعات انسانی مورد استفاده قرار گرفته است. این رویکرد شناختی بر " درک شیوه نگرش هر فرد و رفتار او در پاسخ به نیاز های اطلاعاتی" (پتیگرو، فیدل و براس 2001، صفحه 47) تاکید دارد و رویکرد اجتماعی، اثرات عوامل اجتماعی را بر روی رفتار اطلاعاتی برجسته می کند (جاگر و بارنت 2010). در شرایط و فضای آکادمیک، رفتار اطلاعاتی اغلب شامل هر دو رفتار های اطلاعاتی مرتبط با زندگی روز مره و رفتار های اطلاعاتی مرتبط با کار، میباشد (گیون 2002)، با این حال بسیاری از محققانی که بررسی فعالیت های اطلاعاتی پژوهشگران، دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد پرداخته اند، تنها بر ابعاد مرتبط با کار چارچوب های رفتار جست و جوی اطلاعات که از رویکرد شناختی مشتق شده اند متمرکز بوده و تمایل دارند تا به رفتار هدفمند افراد در یافتن اطلاعات در راستای ارضای نیاز های اطلاعاتی دانشگاهی و آکادمیکی آن ها، رسیدگی کنند. نقطه ضعف رویکرد شناختی، کمبود توجهات و دلایل کافی در مورد منابع بین فردی بوده و اغلب افراد را تنها به عنوان واسطه هایی در نظر می گیرد که نقش آن ها محدود به خدمات ارجاعی است (بارت 2005، کاتالانو 2013، جرج و همکاران 2006). این مقاله در مورد نقاط قوت نسبی استفاده از رویکرد اجتماعی در مقایسه با رویکرد شناختی به منظور بررسی رفتار اطلاعات بین فردی در فضای دانشگاهی، بحث می کند.

2- رفتار اطلاعاتی در فضای دانشگاهی

1-2 ویژگی های فضای دانشگاهی

برخی از محققان، فضای دانشگاهی (آکادمیک) را به صورت فضای کاری (محل کار) (کارترایت 2007، اسپینک و کول 2001) در نظر می گیرند که این موضوع در تحقیقات رفتار اطلاعات مرسوم است. گیون (2002) نیز جست و جوی اطلاعات آکادمیکی را به صورت جست و جوی اطلاعات مرتبط با کار در نظر گرفته اند با این حال برخی از هم پوشانی هایی را با جست و جوی اطلاعات زندگی روزمره (ELIS) کشف کرده اند. گیون (2002)، هم پوشانی های رفتار های جست و جوی اطلاعات را در شرایط دانشگاهی و شرایط زندگی روزمره کشف کرده و به بررسی

رفتار های اطلاعاتی روزمره و بالغ دانشجویان کارشناسی در کار های دانشگاهی و آکادمیک آن ها پرداخته اند. در مطالعه ایشان، شرکت کننده ها بعد از کسب منفعلانه برخی از اطلاعات در طی زندگی روز مره خود، تمایل به جست و جوی فعال اطلاعات داشتند. به علاوه، گاهی اوقات شرکت کننده ها به دنبال کسب اطلاعات آکادمیک و دانشگاهی برای حل مسائل زندگی روزمره خود هستند و در عین حال، تجربه های روزمره نیز تحت تاثیر کار های آکادمیک و دانشگاهی آن ها قرار دارد. اگرچه گیون(2002) به طور واضح، مرز بین شرایط و فضای دانشگاهی را از فضای کاری مشخص نکرده است، برنج(2003) با مقایسه رفتار های اطلاعات جویی دانشجویان کارشناسی شاغل(دانشجویانی که یک یا دو درس را در طی یک ترم گرفته و کارکنان تمام وقت اداره آموزش و پرورش ایالت نیویورک(NYSED) در خانه، کار و مدرسه بودند)، این دو مقوله را از هم متمایز کرده است. مطالعه ایشان نشان داد که مهارت ها و دانش شرکت کننده ها که حاصل از درس سواد اطلاعاتی بود، " به جست و جوی اطلاعات در محیط کار و خانه انتقال داده شد(صفحه 13). به این ترتیب کار برنج موبد وجود چنین روابط درونی بین رفتار های اطلاعاتی در محیط کار، زندگی روزمره و فضای دانشگاهی است.

2-2 تحقیقات رفتار اطلاعاتی در فضای دانشگاهی

اکثریت تحقیقات بر روی رفتار اطلاعاتی که در شرایط و فضای دانشگاهی انجام شده اند، بر روی رفتار " جست و جوی اطلاعات " جمعیت های هدف متمرکز بوده اند. اگرچه این مطالعات، نقش موثر افراد از جمله اعضای هیئت علمی و همکاران را به عنوان منابع اطلاعاتی تایید کرده اند(بارت 2005، کاتالانو 2013، جرج و همکاران 2006)، این نقش معمولاً محدود به واسطه هایی است که به رفتار های جست و جوی اطلاعات افراد کمک می کند. برای مثال، مهو و تیپو(2003) خاطر نشان کردند که اعضای هیئت علمی علوم اجتماعی بر روی ملت های بدون دولت مطالعه می کنند، به طور مکرر به منابع بین فردی نظیر دوستان یا همکاران در فرایند جست و جوی اطلاعات مراجعه می کنند. بارت(2005) به بررسی رفتار اطلاعات جویی(جست و جوی اطلاعات) دانشجویان کارشناسی ارشد علوم انسانی به منظور بهبود سرویس های کتابخانه پرداخته و به این نتیجه رسیدند که پاسخگویان(دانشجویان کارشناسی ارشد) با افراد دیگر برای یافتن اطلاعات کتبی و مستند مشاوره می کنند. به علاوه، جرج و همکاران(2006)، اثر معنی دار افراد را بر روی جست و جوی اطلاعات دانشجویان کارشناسی ارشد

گزارش کردند. در نتیجه، بسیاری از مطالعات قبلی بر روی رفتار های اطلاعاتی در فضای دانشگاهی، به نتایج مشابهی رسیده اند که نشان دهنده لزوم افزایش مهارت های سواد اطلاعاتی افراد است.

3-تحقیقات رفتار اطلاعات بین فردی

بسیاری از پژوهشگران، در شرایط زندگی روز مره و کاری، به نقش منابع بین فردی به عنوان ارایه دهندگان اطلاعات توجه کرده اند (برای مثال، آگوستو و هافس-هاسل 2005، جاگر و بارنت 2010، جولین و مایکل 2000، زو، تان و یانگ 2006). برای مثال، در شرایط زندگی روزمره، جولین و مایکل (2000)، پی برده اند که به طور کلی، بیش از 40 درصد پاسخگویان، منابع انسانی را، ایده آل ترین منابع در هر دو شرایط شخصی و کاری در نظر گرفته اند. آگوستو و هافس-هاسل (2005) به بررسی جستجوی اطلاعات روزمره افراد جوان شهری پرداختند. شرکت کنندگان آن ها افراد و مردم را به عنوان منبع اصلی اطلاعات در نظر گرفتند. از یک سو، در شرایط سازمانی، برخی از محققان نظیر زو، تان و یانگ (2006) و میلر و جابلین (1991) افراد را به عنوان ارایه کننده اطلاعات در نظر گرفتند. برای مثال، زو و همکاران (2006)، ی مدل رفتار جست و جوی بین فردی را پیشنهاد کردند و میلر و جابلین (1991)، رفتار های جست و جوی اطلاعات تازه واردان را از سایر کارکنان در سازمان بررسی کردند. به علاوه، چندین مطالعه که بررسی رفتار اطلاعاتی مشاوره ای پرداخته اند این فرض را مطرح کرده اند که افراد، منبع مستقیم اطلاعات هستند (استروف و کازلوسکی 1993).

4-بحث

چارچوب های شناختی رفتار جست و جوی اطلاعات می توانند رفتار اطلاعاتی هدفمند افراد را توجیه کنند، با این حال این چارچوب ها در توجیه سایر انواع رفتارهای اطلاعاتی نظیر رفتار جست و جوی زندگی روزمره، کشف اطلاعات مفید یا اجتناب از اطلاعات، نقطه ضعف دارند. از سوی دیگر، یک چارچوب مبتنی بر رویکرد اجتماعی قادر به توجیه هر دو رفتار زندگی روزمره و کاری است که توسط مطالعه هاتاری و چاتمن (2001) تایید شده است. این مطالعه قابلیت کاربرد و استفاده از چارچوب های زمینه ای مرتبط با مفهوم ELIS را برای مطالعه رفتار اطلاعاتی مرتبط با کار نشان داد. اگرچه رویکرد اجتماعی ممکن است به طور کامل قادر به توجیه رفتار اطلاعاتی هدفمند نمی باشد، کشف جامع هر دو فعالیت های اطلاعات روزمره و کاری سودمند است.

به علاوه، همان طور که در بالا گفته شد، بر خلاف تحقیقات رفتار اطلاعاتی در فضای دانشگاهی، بسیاری از مطالعات در سایر زمینه ها و شرایط، به نقش منابع بین فردی، نه تنها به صورت عوامل واسطه، بلکه به عنوان آرایه کنندگان اطلاعات تاکید کرده اند. این کارها عمدتاً بر مبنای چارچوب های زمینه ای بر گرفته از رویکرد اجتماعی است. پتیگروف، فیدل و براس (2001) این استدلال را تایید کرده و پیشنهاد می کنند که محققانی که بررسی ابعاد اجتماعی رفتار اطلاعات می پردازند، به دنبال درک اثر روابط و پویایی بین فردی بر روی جریان اطلاعات و ارتباط تسهیم اطلاعات با ارتباطات انسانی می باشند (صفحه 59).

5- نتیجه گیری و کارهای آینده

استفاده از چارچوب های اجتماعی نظیر ELIS، دنیای کوچک، جهان اطلاعات، زمینه های اطلاعات یا شیوه های اطلاعات، می تواند برای کشف رفتار های اطلاعات بین فردی سودمند باشد زیرا این چارچوب ها معمولاً فرض می کنند که رفتار اطلاعاتی در تعاملات اجتماعی رخ می دهند و این که افراد به خودی خود می توانند آرایه کنندگان اطلاعات باشند تا این که تنها به عنوان واسطه های اطلاعاتی عمل کنند. این می تواند به توسعه محدوده و زمینه تحقیقات رفتار اطلاعاتی و نقش منابع بین فردی در فضای آکادمیک کمک کند.

مطالعات آینده به بررسی رفتار های اطلاعات بین فردی در شرایط مشاوره آکادمیک با استفاده از رویکرد اجتماعی خواهند پرداخت زیرا تعداد کمی از محققان علوم اطلاعات و کتابخانه، به مطالعه ابعاد رفتار اطلاعاتی به صورت مشاوره ای پرداخته اند، اگرچه چندین تن از محققان رشته مدیریت (برای مثال، مولن 1994، استروف و کازولسکی 1993) آن ها را پوشش داده اند. مشاوره به عنوان یک زمینه تحقیقاتی، محققان را قادر به اتکا بر رویکرد اجتماعی می کند، زیرا نوعی تعامل اجتماعی بین بیش از دو نفر است. این مطالعات به بررسی انواع اطلاعات مبادله شده در طی مشاوره بین اساتید مشاور و دانشجویان دکتری آن ها بر اساس یک چارچوب محتوی جامعه پذیری توسعه یافته در شرایط سازمانی خواهند پرداخت. چارچوب محتوی توسعه یافته از مطالعه را می توان به عنوان یک شاخص و معیاری برای اندازه گیری برابری برابری دانشجویان دکتری و غنی سازی مشاوره و تجربه های جامعه پذیری آن ها مورد استفاده قرار داد.